پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۲۱۳-۲۳۶ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 53, Autumn & Winter 2026/ 2027

بررسی سیر تطور مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث تا قرن «هفتم هجری»

سید محمد میرنژاد[1]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۱۹)

چکیده

مفهوم «عبادت» از مفاهیم بنیادین در اندیشه اسلامی و از ارکان اساسی تبیین رابطه انسان با خداوند است. عالمان اصحاب حدیث، باوجود اتفاق‌نظر بر اختصاص عبادت به خداوند، در تبیین حقیقت و مؤلفه‌های آن رویکردهای یکسانی نداشته‌اند. مسئله‌پژوهش حاضر، بررسی چگونگی شکل‌گیری و تطور مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث از قرون نخستین تا پایان قرن هفتم هجری است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی - تطبیقی، تعاریف و تبیین‌های ارائه‌شده درباره عبادت را در آثار عالمان این جریان بررسی و مؤلفه‌های محوری آن را در دوره‌های مختلف تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم عبادت در چهار قرن نخست هجری، باوجود برخورداری از هسته‌ای مشترک، در سه محور عمده قابل‌تبیین است: عبادت به‌مثابه اطاعت و امتثال، عبادت به‌مثابه خضوع و تذلل در برابر خداوند، و عبادت به‌مثابه حقیقتی جامع از ایمان، قول و عمل. در قرون چهارم تا هفتم هجری نیز این مفهوم در قالب صورت‌بندی‌های منسجم‌تری تبیین شده و می‌توان آن را در سه محور اطاعت همراه با خضوع و تذلل، نهایت خضوع و تذلل، و توحید و اطاعت دسته‌بندی کرد. مقایسه این دو دوره نشان می‌دهد که تطور مفهوم عبادت در میان اصحاب حدیث، بیش از آنکه ناظر به گسست از مؤلفه‌های پیشین باشد، در تغییر نقطه تأکید، گسترش دامنه مفهومی و صورت‌بندی دقیق‌تر مؤلفه‌های موجود نمود یافته است. بر این‌اساس، مفهوم عبادت در پایان قرن هفتم هجری، ضمن حفظ هسته‌های بنیادین خود، به مفهومی چندساحتی تبدیل شده است که مؤلفه‌هایی همچون اطاعت، خضوع، تذلل، تسلیم، توحید و ابعاد قلبی و عملی بندگی را در برمی‌گیرد.

کلید واژه‌ها: اصحاب حدیث، عبادت، اطاعت، خضوع، تذلل، توحید.

۱. دانش پژوه سطح سه مؤسسه آموزشی عالی حوزوی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، کارشناسی ارشد، مشهد، ایران، sydmohammadmirnejad@gmail.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

«عبادت» از بنیادی‌ترین مفاهیم در منظومه معارف اسلامی و از مفاهیم محوری در تبیین رابطه انسان با خداوند به شمار می‌رود. این مفهوم در قرآن کریم و سنت نبوی کاربردی گسترده دارد و در آثار عالمان مسلمان، به‌ویژه عالمان جریان اصحاب حدیث، با تعابیر و مؤلفه‌های گوناگونی تبیین شده است. اگرچه اصل اختصاص عبادت به خداوند در میان عالمان این جریان امری پذیرفته‌شده است، بررسی آثار آنان نشان می‌دهد که نحوه تعریف و تبیین حقیقت عبادت در دوره‌های مختلف یکسان نبوده و مؤلفه‌های متفاوتی در توضیح آن مورد تأکید قرار گرفته است.

در آثار عالمان اصحاب حدیث در چهار قرن نخست هجری، عبادت گاه در ارتباط مستقیم با اطاعت و امتثال اوامر و نواهی الهی تبیین شده و گاه خضوع، ذلت و تسلیم در برابر خداوند به‌عنوان عنصر اساسی آن مورد توجه قرار گرفته است. در برخی آثار نیز دامنه این مفهوم گسترده‌تر شده و عبادت به‌عنوان حقیقتی جامع که ایمان قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی را در برمی‌گیرد، معرفی شده است. بنابراین، حتی در این دوره نیز عبادت مفهومی تک‌بعدی نبوده و عالمان مختلف، بر اساس رویکرد تفسیری و اعتقادی خود، مؤلفه‌های متفاوتی را در تبیین آن برجسته ساخته‌اند.

این روند در قرون چهارم تا هفتم هجری نیز ادامه می‌یابد؛ با این تفاوت که تعریف عبادت در آثار عالمان این دوره، صورت‌بندی روشن‌تر و منسجم‌تری پیدا می‌کند. در برخی از این آثار، عبادت به اطاعت همراه با خضوع و تذلل تعریف می‌شود؛ در برخی دیگر، نهایت خضوع و تذلل به‌عنوان حقیقت عبادت مورد تأکید قرار می‌گیرد و در شماری از آثار نیز عبادت در ارتباط با توحید و اطاعت و براساس کاربردهای قرآنی آن تبیین می‌شود. از این‌رو، مطالعه این دوره نشان می‌دهد که مفهوم عبادت، ضمن حفظ مؤلفه‌های

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

بنیادین خود، از حیث نقطه تأکید و نحوه صورت‌بندی، دستخوش تحول شده است.

بر این‌اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحول مفهوم عبادت در اندیشه عالمان اصحاب حدیث از قرون نخستین تا پایان قرن هفتم هجری است. پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی تعاریف و تبیین‌های ارائه‌شده در آثار این عالمان، ضمن شناسایی مؤلفه‌های اصلی مفهوم عبادت، میزان استمرار و تغییر آنها را در دوره‌های مختلف نشان دهد. در این راستا، ابتدا دیدگاه‌های عالمان چهار قرن نخست بررسی شده و سپس صورت‌بندی‌های مفهومی عبادت در قرون چهارم تا هفتم مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا از رهگذر مقایسه این دو دوره، روند تطور مفهوم عبادت در میان اصحاب حدیث آشکار شود.

۱-۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

مفهوم عبادت، به دلیل جایگاه محوری آن در تبیین رابطه انسان با خداوند و ارتباط مستقیم آن با مباحثی همچون توحید، اطاعت و بندگی، از اهمیت ویژه‌ای در مطالعات اعتقادی و کلامی برخوردار است. شناخت دقیق این مفهوم، علاوه بر روشن ساختن حدود و مؤلفه‌های عبادت، در فهم دیدگاه‌های اعتقادی عالمان مسلمان و تحلیل مبانی آنان در موضوعاتی همچون توحید عبادی و شرک اهمیت دارد.

از سوی دیگر، بررسی مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث، به دلیل جایگاه این جریان در تاریخ اندیشه اسلامی و تأثیرگذاری آن بر شکل‌گیری و گسترش برخی از دیدگاه‌های اعتقادی در دوره‌های بعد، ضرورتی پژوهشی دارد. مطالعه آثار عالمان این جریان نشان می‌دهد که با وجود پذیرش اصل اختصاص عبادت به خداوند، در تبیین حقیقت عبادت و تعیین مؤلفه‌های آن، تفاوت‌هایی وجود داشته است. ازاین‌رو، بررسی تاریخی این تفاوت‌ها می‌تواند زمینه شناخت دقیق‌تر مبانی فکری اصحاب حدیث و چگونگی تحول مفاهیم اعتقادی در میان آنان را فراهم آورد.

همچنین، بررسی سیر تطور مفهوم عبادت در یک بازه تاریخی نسبتاً گسترده، امکان

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

تمایز میان مؤلفه‌های پایدار و عناصر متحول این مفهوم را فراهم می‌سازد. چنین رویکردی کمک می‌کند تا تعاریف ارائه‌شده از عبادت، جدا از زمینه‌های تاریخی و فکری شکل‌گیری آنها مورد قضاوت قرار نگیرند و نسبت میان دیدگاه‌های عالمان دوره‌های مختلف با دقت بیشتری تحلیل شود. بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر در آن است که با رویکردی تاریخی و تحلیلی، چگونگی استمرار و تحول مفهوم عبادت را در اندیشه اصحاب حدیث روشن سازد و به شناخت دقیق‌تر مبانی اعتقادی این جریان کمک کند.

۱-۳. پیشینه پژوهش و نوآوری

با وجود اهمیت موضوع، پژوهش‌های انجام‌شده درباره مفهوم عبادت عمدتاً به بررسی دیدگاه یک متفکر، یک جریان فکری یا مقایسه دیدگاه‌های مختلف اختصاص یافته است. از جمله، در مقاله «*مفهوم عبادت از دیدگاه ابن‌تیمیه*» اثر عبدالمحمد شریفات، مفهوم عبادت از منظر یکی از عالمان برجسته جریان اصحاب حدیث بررسی شده است. همچنین، در پژوهش «*حقیقت عبادت از دیدگاه مذاهب کلامی با تأکید بر نقد وهابیت*» اثر سید مهدی حسینی‌خواه و حمید ملک مکان، حقیقت عبادت در چارچوب دیدگاه مذاهب کلامی مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه وهابیت نیز با تأکید بر جنبه انتقادی مطالعه شده است. افزون بر این، مقاله «*بررسی مفهوم عبادت از دیدگاه وهابیت و اهل‌سنت*» اثر سید جابر مهدوی و حسین قاضی‌زاده، به بررسی مفهوم عبادت در دو چارچوب وهابیت و اهل‌سنت پرداخته است.

این آثار، هر یک از زاویه‌ای خاص، در شناخت مفهوم عبادت و برخی مؤلفه‌های آن سودمندند؛ اما با تتبع انجام‌شده، پژوهشی که به‌طور مستقل، مفهوم عبادت را در بستر تاریخی اندیشه اصحاب حدیث بررسی کرده و سیر تطور این مفهوم را از قرون نخستین تا پایان قرن هفتم هجری بازسازی کرده باشد، یافت نشد.

از این‌رو، خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین صرفاً در فقدان بحث درباره مفهوم

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

عبادت نیست؛ بلکه در فقدان نگاهی تاریخی و تحولی به این مفهوم در میان عالمان اصحاب حدیث است. به بیان دیگر، اگرچه در پژوهش‌های پیشین می‌توان به تعاریف و دیدگاه‌های برخی عالمان درباره عبادت دست یافت، هنوز این مسئله به‌صورت مستقل بررسی نشده است که این تعاریف در بستر تاریخی اصحاب حدیث چگونه شکل گرفته، چه مؤلفه‌هایی در دوره‌های مختلف استمرار یافته و چه تغییراتی در نحوه صورت‌بندی و تبیین حقیقت عبادت پدید آمده است.

نوآوری پژوهش حاضر در اتخاذ رویکردی تاریخی و تحلیلی برای بررسی مفهوم عبادت در اندیشه عالمان اصحاب حدیث از قرون نخستین تا پایان قرن هفتم هجری است. در این پژوهش، به‌جای تمرکز بر دیدگاه یک متفکر یا مقایسه هم‌زمان دیدگاه چند جریان فکری، تلاش می‌شود تعاریف و تبیین‌های ارائه‌شده از عبادت در بستر تاریخی خود بررسی و مؤلفه‌های مشترک و متمایز آنها شناسایی شود. همچنین، مقایسه دیدگاه‌های دو دوره تاریخی، زمینه تحلیل میزان استمرار و تحول این مفهوم را فراهم می‌آورد و تصویری نسبتاً جامع از روند شکل‌گیری و تحول مفهوم عبادت در میان اصحاب حدیث ارائه می‌کند.

۱-٤. روش پژوهش و مفهوم‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی‌ـ تحلیلی با رویکرد تاریخی‌ـ تطبیقی است. در این پژوهش، ابتدا با مراجعه به منابع اصلی و آثار عالمان اصحاب حدیث، تعاریف و تبیین‌های ارائه‌شده درباره مفهوم عبادت گردآوری و استخراج می‌شود. سپس با توصیف و تحلیل این تعاریف، مؤلفه‌های اصلی مفهوم عبادت در آثار عالمان هر دوره شناسایی شده و در ادامه، با مقایسه دیدگاه‌های دوره‌های مختلف، میزان استمرار و تغییر این مؤلفه‌ها بررسی می‌شود. بدین ترتیب، روش تاریخی در بازسازی روند شکل‌گیری و تحول مفهوم عبادت و روش تطبیقی در مقایسه دیدگاه‌های عالمان دوره‌های مختلف به کار گرفته می‌شود. داده‌های پژوهش نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و از

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

طریق مراجعه مستقیم به متون و آثار مرتبط گردآوری شده‌اند.

در این پژوهش، مقصود از «مفهوم عبادت»، معنایی است که عالمان اصحاب حدیث در آثار خود برای تبیین حقیقت عبادت ارائه کرده‌اند و مؤلفه‌هایی را در تعریف و توضیح آن دخیل دانسته‌اند. بنابراین، تمرکز پژوهش بر بررسی کاربردهای لغوی عبادت یا صرفاً احصای موارد استعمال آن در متون دینی نیست؛ بلکه هدف، تحلیل تبیین‌های مفهومی و اعتقادی این واژه در آثار عالمان مورد مطالعه است.

۱-٤-۱. عبادت

با مراجعه به آثار لغت‌شناسان، روشن می‌شود که واژه «عبادت» در اصل لغوی خود با مفاهیمی چون خضوع، فروتنی و اطاعت ارتباط دارد. زبیدی، جوهری و ابن‌منظور، عبادت را به معنای «طاعت» دانسته و عبودیت را به خضوع و تذلل تفسیر کرده‌اند. زبیدی تصریح می‌کند: «العبادة بکسر العین الطاعة» (تاج العروس، ۳۳۰/۸). جوهری نیز عبادت را عین طاعت دانسته و «تعبید» را به معنای هموار ساختن راه آورده است (جوهری، الصحاح، ۵۰۳/۲). ابن‌منظور نیز عبادت را به طاعت تفسیر کرده است (ابن‌منظور، لسان العرب، ۱۰/۹).

راغب اصفهانی میان «عبودیت» و «عبادت» تفاوت نهاده و عبودیت را به معنای اظهار تذلل و عبادت را رساتر و دال بر نهایت تذلل دانسته است؛ مرتبه‌ای از خضوع که جز برای خداوند شایسته نیست (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۳۵۷).

با این‌حال، فروکاستن عبادت به معنای لغوی آن، بدون توجه به معنای اصطلاحی و شرعی، می‌تواند موجب برداشت نادرست شود؛ زیرا خضوع و اطاعت به معنای لغوی، اختصاصی به رابطه انسان با خداوند ندارد و در مناسبات انسانی نیز تحقق می‌یابد. ازاین‌رو، عبادت در شریعت اسلام دارای معنایی خاص و اصطلاحی است و نمی‌توان آن را صرفاً به معنای لغوی فروکاست؛ همان‌گونه که واژگانی مانند «صلاة»، «زکاة» و «صیام» نیز در کنار معنای لغوی، کاربردی اصطلاحی و شرعی یافته‌اند. بنابراین، در این پژوهش، مراد از مفهوم عبادت، تبیین اصطلاحی و اعتقادی آن در آثار عالمان اصحاب حدیث است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۱-٤-۲. اصحاب حدیث

اصحاب حدیث عنوانی است که به گروهی از عالمان اطلاق می‌شود که در مسائل اعتقادی و عملی، بر نصوص کتاب و سنت تکیه داشته و در تبیین متون دینی، بر ظاهر نصوص و تعبد نسبت به آنها تأکید می‌کردند. مغراوی به نقل از لالکانی، پیشینه این جریان را به «اهل اثر» نسبت می‌دهد (مغراوی، ۳۸۰). این جریان در دوره‌های بعد با عنوان «اصحاب حدیث» یا «اهل حدیث» شناخته شد (شهرستانی، ۲۴۳/۱) و در برابر روش‌های عقل‌گرایانه، بر پیروی از کتاب و سنت تأکید داشت (ربانی گلپایگانی، ۲۳۹). احمد بن حنبل نیز با تأکید بر جایگاه سنت در تفسیر قرآن، بر پیروی از کتاب و سنت و پرهیز از مقدم‌داشتن عقل بر نص تأکید کرده است (ابن حنبل شیبانی، ۱۵-۱۷).

براین‌اساس، در این مقاله، مقصود از «اصحاب حدیث» مجموعه‌ای از عالمان این جریان، از جمله ابن‌ابی‌زمنین (متوفای ۳۹۹ هـ‌ق.)، قاضی ابویعلی (متوفای ۴۵۸ هـ‌ق.)، سمعانی (متوفای ۴۸۹ هـ‌ق.) و ابن‌جوزی (متوفای ۵۹۷ هـ‌ق.) است که این رویکرد را تا دوره ابن‌تیمیه استمرار بخشیدند.

۱-٤-۳. تفاوت عبادت و اطاعت

برای تبیین تفاوت «عبادت» و «اطاعت»، توجه به معنای لغوی و اصطلاحی آنها ضروری است. اطاعت در لغت به معنای انقیاد، فرمان‌پذیری و پیروی از امر مطاع است (ابن منظور، ۲۱۹/۸). در مقابل، عبادت مرتبه‌ای فراتر از صرف فرمان‌پذیری و ناظر به خضوع و کرنش در برابر معبود است. ازاین‌رو، در فروق اللغة، عبادت عالی‌ترین مرتبه خضوع دانسته شده و اختصاص آن به خداوند موردتأکید قرار گرفته است؛ درحالی‌که اطاعت می‌تواند نسبت به خدا و بندگان تحقق یابد. همچنین اطاعت ممکن است بدون قصد مستقل واقع شود، اما عبادت به نیت و قصد عبادی نیازمند است (عسکری، ۱۸۲).

شیخ طوسی نیز با تفکیک این دو مفهوم، اطاعت از غیر خدا را در شرایطی جایز

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

می‌داند، درحالی‌که عبادت غیر خدا را شرک می‌شمارد؛ بنابراین، هر اطاعتی عبادت نیست و ملاک تمایز، افزون بر عمل ظاهری، جهت و قصد عبادی آن است (طوسی، ۴۹۱/۴). در تفسیر المنیر نیز بر نادرستی یکسان‌انگاری عبادت و اطاعت تأکید شده و عبادت به خضوع و کرنش در برابر معبود تفسیر شده است (زحیلی، ۳۴۶/۳۰).

با این‌حال، در برخی موارد اطاعت می‌تواند وصف عبادی پیدا کند؛ چنان‌که قرآن درباره کسانی که هوای نفس خود را بر فرمان الهی مقدم می‌دارند، می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (الجاثیه، ۲۳). همچنین درباره اهل کتاب می‌فرماید: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (التوبه، ۳۱)؛ بدین معنا که اطاعت بی‌قیدوشرط از آنان در تشریع و تحلیل و تحریم، در حکم‌پذیرش جایگاه ربوبی برای غیر خدا قرار گرفته است (مکارم، ۲۶۲/۲۱).

در عین‌حال، اطاعت از غیر خدا درصورتی‌که در چارچوب فرمان الهی باشد، با توحید منافاتی ندارد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «مَن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (النساء، ۸۰) و اطاعت از پدر و مادر را نیز تا زمانی که به مخالفت با توحید نینجامد، تأیید می‌کند (العنکبوت، ۸). ازاین‌رو، اطاعت از غیر خدا می‌تواند به‌صورت «بالتبع» مشروع باشد، درحالی‌که عبادت، در منطق توحیدی، اختصاص به خداوند دارد (سبحانی، ۳۴۲/۲).

بنابراین، عبادت و اطاعت، اگرچه در برخی مصادیق با یکدیگر تلاقی دارند، مترادف نیستند. اطاعت بر انقیاد و فرمان‌پذیری دلالت دارد و می‌تواند نسبت به غیر خدا نیز تحقق یابد؛ اما عبادت متضمن خضوع عبادی و جهت‌گیری پرستش گونه است و ازاین‌رو اختصاص به خداوند دارد. بر همین اساس، هر عبادتی مستلزم اطاعت از معبود است، اما هر اطاعتی عبادت محسوب نمی‌شود.

۲. مفهوم عبادت نزد اهل حدیث در چهار قرن نخست

بررسی آثار و دیدگاه‌های عالمان اصحاب حدیث در چهار قرن نخست هجری نشان می‌دهد که مفهوم «عبادت»، باوجود برخورداری از هسته‌ای مشترک، در میان عالمان این

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

دوره با تأکید بر مؤلفه‌های متفاوتی تبیین شده است. برخی از آنان عبادت را اساساً با اطاعت و امتثال اوامر و نواهی الهی مرتبط دانسته‌اند؛ برخی بر خضوع، ذلت و تسلیم خالصانه در برابر خداوند تأکید کرده‌اند و گروهی نیز عبادت را حقیقتی جامع دانسته‌اند که ایمان قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی را در برمی‌گیرد. ازاین‌رو، باتوجه‌به مؤلفه‌محوری هر دیدگاه، می‌توان مفهوم عبادت در این دوره را در سه محور بررسی کرد: عبادت به‌مثابه اطاعت و امتثال، عبادت به‌مثابه خضوع و تذلل در برابر خداوند، و عبادت به‌مثابه حقیقتی جامعِ ایمان، قول و عمل.

۲-۱. عبادت به معنای اطاعت

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در تبیین مفهوم عبادت نزد عالمان اصحاب حدیث در چهار قرن نخست موردتوجه قرار گرفته، اطاعت از خداوند و امتثال اوامر و نواهی او است. احمد بن حنبل تعریف عبادت را در قالب روایتی در کتابش نقل کرده است او می‌نویسد: عبادت عبارت است از التزام عملی به فرمان خدا، از طریق انجام واجبات و پرهیز از محرمات. (احمد بن حنبل، ۲۴۰) در ادامه محمد بن نصر مروزی (۲۹۴ق) در کتاب تعظیم قدر الصلاة، عبادت را به طور کامل با طاعت مرتبط می‌داند و معتقد است که کمال عبادت الهی در گرو اطاعت کامل از اوامر و نواهی خداوند است. وی در جلد اول، صفحه ۳۴۶، بیان می‌دارد که هرکس خداوند را در آنچه بدان امر کرده و از آن نهی کرده است اطاعت کند، عبادت خدا را به کمال رسانده است. مروزی برای تبیین این معنا به آیه «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ» (یس، ۶۰) استناد می‌کند و تأکید دارد که اطاعت از شیطان در دین و عمل، در حقیقت «عبادت شیطان» تلقی می‌شود. بر اساس این دیدگاه، عبادت تنها به اعمال آیینی و مناسک ظاهری محدود نیست، بلکه هرگونه تبعیت و فرمان‌برداری در حوزه دین و عمل را نیز در برمی‌گیرد. از این‌رو، اطاعت از غیر خدا، هنگامی که در مقام تبعیت دینی و عملی قرار گیرد، می‌تواند در قلمرو مفهوم عبادت قرار گیرد. این تلقی، بر ماهیت رفتاری و کاربردی عبادت تأکید دارد و هرگونه تبعیت از غیر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

خدا را، حتی در ظاهر، در صورت تحقق معیار مذکور، با عبادت غیرالهی مرتبط می‌سازد و بدین ترتیب، بر اهمیت نفی شرک در عرصه عمل و زندگی فردی و اجتماعی تأکید می‌نماید (المروزی، تعظیم قدر الصلاة، ۳۴۶/۱).

۲-۲. عبادت به معنای: خضوع در برابر خداوند

در کنار اطاعت، خضوع، ذلت و تسلیم در برابر خداوند نیز از مؤلفه‌های مهم مفهوم عبادت در دیدگاه عالمان این دوره به شمار می‌رود. سهل بن عبدالله تستری (۲۸۳ق) بر اساس تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»[1] (فاطر، ۱۵)، عبادت را به معنای خضوع و ذلت خالصانه در برابر خداوندِ غنی مطلق می‌داند. در این نگاه، انسان با درک فقر ذاتی و نیاز همیشگی خود به خداوند و با قطع امید از هرآنچه غیر اوست، به حقیقت عبودیت دست می‌یابد؛ بنابراین، حقیقت عبادت در این تلقی، با شناخت وابستگی و فقر ذاتی انسان در برابر غنای مطلق الهی و در پی آن، تحقق خضوع و تسلیم خالصانه در برابر او پیوند می‌یابد. (التستری، ۱۲۹/۱)

ابن جریر طبری (۳۱۰ق) (طبری، جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن، ۹۴/۱) نیز عبادت را با مفهوم ذلت و تسلیم مرتبط می‌سازد. در بیان وی، عبادت با ذلت همراه است و انسان باید با طاعت و تسلیم در برابر خداوند، او را به الوهیت یگانه بداند و در تسلیم و فروتنی در برابر او خالص باشد. همچنین با اطاعت از اوامر و پرهیز از نواهی الهی، نباید برای خداوند در الوهیت و عبادت شریکی قرارداد. ازاین‌رو، در تلقی طبری، عبادت مجموعه‌ای از ذلت، تسلیم، فروتنی، اطاعت و اخلاص در توحید است و خضوع در برابر خداوند با نفی هرگونه شریک در الوهیت و عبادت همراه می‌شود (طبری، ۵/۷).

---

۱. سوره فاطر (۳۵): آیه (۱۵) يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ قوله: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ [۱۵] قال: يعنى أنتم إليه فى أنفسكم، فإن الله تعالى لما خلق الخلق حكم العباده بالفقر إليه، وهو الغنى، فمادعى الغنى حجب عن الله عز وجل، ومن أظهر فقره إليه أوصل الله فقره بغناه، فينبغى للعبد أن يكون مفتقراً إليه فى السر، منقطعاً عن غيره، حتى تكون عبوديته محضة، إذ العبودية المحضة هى الذل و الخضوع.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

افزون بر این، طبری در تفسیر آیه «إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ» (الحمد، ۵)، خضوع، ذلت و استکانت را در پیوند با اقرار به ربوبیت خداوند تبیین می‌کند. وی در توضیح «إِيَّاکَ نَعْبُدُ» می‌گوید: «لَکَ اللهم نَخْشَعُ ونَذِلُّ ونَسْتَکِينُ، إقرارًا لک یا ربَّنا بالربوبیة لا لغیرک»؛ یعنی در برابر تو خشوع و ذلت و استکانت داریم و این امر، اقرار به ربوبیت تو و نه دیگری است. براین‌اساس، در تبیین طبری، میان خضوع و تذللِ عابد و اقرار او به ربوبیت خداوند پیوندی مستقیم برقرار است. (طبری، ۱۵۷/۱)

همین پیوند میان عبادت و اقرار به ربوبیت در تفسیر سهل بن عبدالله تستری نیز دیده می‌شود. وی در تفسیر آیه «إِيَّاکَ نَعْبُدُ وَإِيَّاکَ نَسْتَعِينُ»، «نعبد» را با خضوع و خشوع و اعتراف به ربوبیت خداوند مرتبط می‌سازد. ازاین‌رو، در کنار تأکید تستری بر فقر و نیاز ذاتی انسان و خضوع او در برابر غنای مطلق الهی، اعتراف به ربوبیت نیز در تبیین وی از حقیقت عبودیت جایگاه می‌یابد. بدین ترتیب، در دیدگاه این دو عالم، خضوع و تذلل در عبادت صرفاً یک حالت رفتاری نیست، بلکه بامعرفت و اقرار به ربوبیت خداوند پیوند می‌خورد. (تستری، ۲۳/۱).

ابن‌ابی‌زَمَنِین (۳۹۹ ق) نیز در کتاب تفسیر القرآن العزیز، عبادت را در معنای لغوی، اطاعتی همراه با نهایت خضوع و فروتنی معرفی می‌کند. وی برای تبیین این معنا از تعبیر «طریق معبّد» بهره می‌گیرد؛ همان‌گونه که یک راه در اثر رفت‌وآمد مکرر رام و هموار می‌شود، عبادت نیز به واسطه تکرار و استمرار اطاعت و خضوع، روح و نفس انسان را در برابر فرمان الهی رام، مطیع و تسلیم می‌سازد؛ بنابراین، عبادت در این تلقی، صرفاً یک فعل مقطعی نیست، بلکه فرایندی است که به واسطه استمرار اطاعت و خضوع، انسان را به حالت تسلیم و کرنش دائمی در برابر خداوند می‌رساند (ابن أبی زمنین، ۱۱۹/۱).

۲-۳. به‌مثابه حقیقتی جامعِ ایمان، قول و عمل

ابن‌مَنْدَه (م. ۳۹۵ق): ابن‌مَنْدَه در الإیمان، عبادت را در چارچوب بحث ایمان و طاعات

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

مطرح می‌کند. وی در ذیل عنوان «ذِكْرُ مَا يَدُلُّ عَلَى أَنَّ الْإِيمَانَ هُوَ الطَّاعَاتُ كُلُّهَا» شواهدی را ذکر می‌کند که بر شمول ایمان نسبت به طاعات دلالت دارند. در این میان، وی از محمد بن نصر مروزی نقل می‌کند: «الْإِيمَانُ هَاهُنَا عِبَادَةُ الْعَابِدِينَ لِلَّهِ». در ادامه این نقل آمده است: «فَالْمُؤْمِنُ هُوَ الْعَابِدُ لِلَّهِ، وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ هُوَ فِعْلُهُ، وَهُوَ الْإِيمَانُ» (ابن‌منده، الإیمان، ۳۲۷/۱). بر اساس این گزارش، عبادت در نسبت با مؤمن و فعل او تعریف می‌شود؛ به این معنا که مؤمن، عابد خداوند است و عبادت خداوند، فعل او و در همین چارچوب، همان ایمان دانسته می‌شود. ابن‌منده در ادامه، با نقل این تقریر، میان «عابد»، «عبادت» و «ایمان» ارتباط برقرار می‌کند و سپس بر تمایز میان خالق و مخلوق تأکید می‌نماید: «وَالْخَالِقُ هُوَ الْمَعْبُودُ الَّذِي خَلَقَ الْمُؤْمِنَ وَ عِبَادَتَهُ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ». از این عبارت برمی‌آید که عبادت در این تقریر، فعلی مخلوق از سوی بنده است که متعلق آن خداوند، یعنی خالق و معبود، است؛ بنابراین، در گزارش ابن‌منده، عبادت از یک‌سو به فعل بنده و ازسوی‌دیگر به خداوند به‌عنوان معبود و خالق تعلق دارد و در منظومه مفهومی ایمان و طاعات قرار می‌گیرد.

ابن حبان (۳۵۴ق): ابن حبان در بیان خود، عبادت را با صراحت بیشتری از حیث مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن توضیح می‌دهد و می‌گوید: «عِبَادَةُ اللهِ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ تَصْدِيقٌ بِالْقَلْبِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ» (ابن حجر عسقلانی، ۳۳۹/۱۱؛ ابن‌منده، ۳۵۸). بر اساس این بیان، عبادت حقیقتی مرکب است که سه ساحت زبان، قلب و جوارح را در برمی‌گیرد؛ یعنی هم اقرار زبانی، هم تصدیق قلبی و هم عمل خارجی در تحقق عبادت دخالت دارند. ازاین‌رو، عبادت نزد ابن حبان به اعمال ظاهری منحصر نیست، بلکه اعتقاد و گفتار را نیز شامل می‌شود. بدین ترتیب، اگر در گزارش ابن‌منده از محمد بن نصر، عبادت به‌عنوان «فعل عابد» و در پیوند با ایمان و طاعات مطرح می‌شود، ابن حبان با تفصیل بیشتری اجزای این عبادت را مشخص کرده و آن را حقیقتی مرکب از اقرار، تصدیق و عمل می‌داند. این امر نشان‌دهنده گسترش دامنه مفهومی عبادت در میان اصحاب حدیث و پیوند هرچه آشکارتر آن با ابعاد اعتقادی، گفتاری و عملی ایمان است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

ابن‌بَطّه نیز عبادت را مجموعه‌ای از ایمان، اخلاص، گفتار نیک و عمل صالح می‌داند که در قالب اطاعت و انجام فرائض الهی تحقق می‌یابد. بر اساس این تلقی، عبادت فقط ادعا یا لفظ نیست، بلکه خدمت عملیِ همراه باایمان و اخلاص است؛ یعنی انسان با باور قلبی، نیت خالص، گفتار درست و عمل صالح، بندگی خداوند را به‌جای می‌آورد (ابن بطه، ۷۹۲/۲).

۳. مفهوم عبادت نزد اصحاب حدیث از قرن چهارم تا قرن هفتم

با بررسی آثار و دیدگاه‌های عالمان اصحاب حدیث در فاصله قرون چهارم تا هفتم هجری، می‌توان دریافت که مفهوم «عبادت» در این دوره، ضمن برخورداری از هسته‌ای مشترک، در قالب‌های مفهومی متفاوتی صورت‌بندی شده است. اگرچه مؤلفه‌هایی همچون اطاعت، خضوع، تذلل و اختصاص عبادت به خداوند در بسیاری از این دیدگاه‌ها استمرار دارد، نحوه ترکیب و برجسته‌سازی این مؤلفه‌ها در میان عالمان یکسان نیست. ازاین‌رو، نمی‌توان دیدگاه‌های این دوره را صرفاً مجموعه‌ای از تعاریف همسان تلقی کرد؛ بلکه بررسی تطبیقی آنها نشان‌دهنده نوعی تغییر در نقطه ثقل مفهوم عبادت است.

بر پایه این بررسی، دیدگاه‌های عالمان این دوره را می‌توان از حیث مؤلفه‌محوری عبادت در سه صورت مفهومی دسته‌بندی کرد: نخست، عبادت به‌مثابه اطاعت همراه با خضوع و تذلل؛ در این تلقی، عبادت هنگامی تحقق می‌یابد که اطاعت از فرمان، با خضوع و انقیاد همراه شود. دوم، عبادت به‌مثابه نهایت خضوع و تذلل؛ در این صورت‌بندی، عنصر خضوع از صرف همراهی با اطاعت فراتر رفته و عبادت به عالی‌ترین مرتبه خضوع اختصاص می‌یابد که شایسته خداوند است. سوم، عبادت به‌مثابه توحید و اطاعت؛ در این رویکرد، مفهوم عبادت در سطح کاربردهای قرآنی توسعه‌یافته و در کنار معنای توحید و یکتاپرستی، بر معنای اطاعت و پیروی نیز اطلاق شده است.

بر این‌اساس، بررسی مفهوم عبادت در این دوره در سه محور دنبال می‌شود: «عبادت به‌مثابه اطاعت همراه با خضوع و تذلل»، «عبادت به‌مثابه نهایت خضوع و تذلل» و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

«عبادت به‌مثابه توحید و اطاعت». این دسته‌بندی، امکان آن را فراهم می‌سازد که ضمن حفظ تفاوت‌های موجود میان دیدگاه عالمان، روند تحول مفهوم عبادت از یک تعریف مبتنی بر رابطه میان اطاعت و خضوع، به تأکید بر غایت خضوع و سپس به توسعه کاربردهای مفهومی آن در حوزه توحید و اطاعت بررسی شود.

۳-۱. به‌مثابه اطاعت همراه با خضوع

ثعلبی (۴۲۷ ق)، تعریفی جامع ارائه می‌دهد که شامل پرستش، اخلاص، اطاعت و خضوع می‌شود (ثعلبی، ۱۱۷/۱)

واحدی نیشابوری (۴۶۸) در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، «عبادت» را به معنای اطاعت همراه با خضوع و تذلل دانسته است. وی در تبیین معنای «نعبد» می‌نویسد: «مَعْنَى العِبَادَةِ: الطَّاعَةُ مَعَ الخُضُوعِ وَالتَّذَلُّلِ»، و بدین ترتیب، اطاعت را در صورتی عبادت می‌داند که با خضوع و فروتنی همراه باشد. از نظر وی، عبادت از سنخ خضوع است؛ با این تفاوت که مرتبه‌ای از خضوع است که شایسته هیچ‌کس جز خداوند متعال نیست. وی در ادامه، این ویژگی را با تعبیر «خضوع لیس فوقه خضوع» بیان می‌کند؛ یعنی عبادت عالی‌ترین مرتبه خضوع و فروتنی در برابر معبود است. واحدی همچنین برای تبیین وجه تسمیه «عبد»، ذلت و انقیاد بنده در برابر مولای خویش را مطرح کرده و با استناد به کاربرد زبانی «طریق معبّد» که به راه هموار و کوبیده شده اطلاق می‌شود، بر عنصر ذلت، انقیاد و فروتنی در مفهوم عبادت تأکید می‌ورزد؛ بنابراین، در تلقی واحدی، مفهوم عبادت از پیوند سه عنصر اساسی اطاعت، خضوع و تذلل شکل می‌گیرد و ویژگی ممتاز آن، رسیدن خضوع به عالی‌ترین مرتبه و اختصاص چنین خضوعی به خداوند است. (الواحدی، ۵۱۶/۱.)

و در همین کتاب در جلد بیستم در همین زمینه می‌گوید عبادت در عمیق‌ترین معنای خود، عبارت است از خضوع و تذلل در برابر خداوند. این خضوع که معنای اصلی لغوی عبادت است، به طور فراگیر شامل همه انسان‌ها می‌شود، اعم از مؤمن و کافر، نیکوکار و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

بدکار. زیرا همه موجودات، در برابر اراده، تقدیر و خلقت الهی ناگزیر به تسلیم و کرنش هستند و هیچ‌کس نمی‌تواند از چارچوب قضای الهی که بر اساس آن آفریده شده و روزی گرفته است، خارج شود؛ لذا، این خضوع و تذللِ فراگیر، نوعی عبادت است که در سرشت همه مخلوقات وجود دارد. (الواحدی، ۴۶۸/۲۰) و همچنین باجی (۴۷۴ق) بر اطاعت و تذلل برای خداوند به وسیله‌ی آنچه در شرع مشخص شده است، تأکید دارد (باجی، ۱۱۴/۱).

سمعانی (۴۸۹ ق) برخی دیگر نیز در تعریف عبادت، مضامین همچون عبارت فوق را بیان کرده‌اند. (سمعانی، ۳۷/۱)

بغوی (۵۱۰ ق)، دیگر از عالمان برجسته اصحاب حدیث، عبادت را چنین تعریف می‌کند: «العبادة: الطاعة مع التذلل والخضوع»؛ یعنی عبادت اطاعتی است که همراه با تذلل و خضوع باشد. به باور او، علت نام‌گذاری انسان به «عبد» نیز همین حالت ذلت و انقیاد در برابر مولی است. وی برای تقریب به ذهن، از کاربردهای لغوی این واژه بهره می‌گیرد و می‌گوید: همان‌گونه که به راه هموار و نرم‌شده «طریقٌ مُعَبَّد» گفته می‌شود، زیرا سختی آن شکسته و رام شده است، عبد نیز کسی است که در برابر معبود، رام، منقاد و خاضع گشته است. بر اساس این بیان، بغوی عبادت را صرف اطاعت نمی‌داند، بلکه اطاعتی می‌شمارد که با نوعی خضوع درونی و فروتنی عملی همراه باشد. این تعریف نشان می‌دهد که از نگاه وی در چارچوب نگرش اصحاب حدیث عبادت مفهومی فراتر از امتثال ظاهری اوامر است و عنصر تذلل و انقیاد قلبی در تحقق آن نقش اساسی دارد.[1] (البغوی، ۴۲/۱)

۳-۲. نهایت خضوع و تذلل

ابن سیده (۴۵۸ ق) معتقد است عبادت، نوعی خضوع خاص است. او می‌گوید خضوعی که بالاتر از آن خضوعی نباشد، عبادت است. ابن سیده معتقد است فقط کسی مستحق این خضوع است که بالاترین نعمت‌ها مثل حیات و فهم و مسع را داده باشد، و

۱. قال البغوی: العبادة: الطاعة مع التذلل والخضوع وسمّی العبد عبداً لذلّته وانقیاده یقال: طریق معبّد، أی مذلّل. البغوی، التفسیر، ۴۲/۱.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

کسی که این نعمت‌ها را داده است فقط الله است و فقط الله مستحق این عبادت است و غیر خدا، چون این نعم را عطا نکرده اند پس خضوع در برابرشان خضوع تام نیست و خضوع غیرتام هم عبادت نیست. (ابن سیده، ۶۲/۴).

قرطبی (۶۷۱ق) نیز در تبیین مفهوم عبادت، بر دو مؤلفه «اطاعت» و «تذلل» تأکید می‌کند. وی در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، «نعبد» را به معنای «نطیع» دانسته و تصریح می‌کند که عبادت عبارت از «الطاعة و التذلل» است. براساس این بیان، عبادت در نگاه قرطبی صرفاً به معنای اطاعت نیست، بلکه اطاعتی است که با تذلل و فروتنی همراه شده باشد. وی برای تبیین وجه لغوی این معنا، تعبیر «طریق معبد» را نیز مطرح می‌کند؛ یعنی راهی که برای عبور هموار و رام شده است. ازاین‌رو، مفهوم عبادت نزد قرطبی بر حالت انقیاد و فروتنی بنده در برابر خداوند استوار است و اطاعت، هنگامی که با چنین حالت تذلل و بندگی همراه شود، در معنای عبادت قرار می‌گیرد. قرطبی همچنین تصریح می‌کند که گفتن «إیاک نعبد» از سوی مکلف، اقرار به ربوبیت خداوند و تحقق عبودیت اوست؛ زیرا انسان با اختصاص عبادت به خداوند، در برابر او به بندگی و اطاعت اقرار می‌کند؛ بنابراین، در تلقی قرطبی، عبادت مفهومی است که در آن «اطاعت» با «تذلل» پیوند می‌خورد و اختصاص این اطاعت و خضوع به خداوند، در تحقق عبودیت نقش اساسی دارد (قرطبی، ۱۴۵/۱).

بیضاوی (۶۸۵ق) در تفسیر آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، عبادت را به نهایت خضوع و تذلل تعریف می‌کند و می‌نویسد: «والعبادة: أقصى غاية الخضوع والتذلل»، و برای تبیین معنای آن، به کاربرد لغوی «طریق معبّد» استناد می‌کند که به معنای راه هموار و رام شده است. وی همچنین تعبیر «ثوب ذو عبدة» را، در وصف جامه‌ای که به نهایت استحکام و فشردگی رسیده، شاهدی بر کاربرد این ریشه در معنای رسیدن به‌غایت و نهایت می‌داند. براساس این بیان، مؤلفه اصلی عبادت در اندیشه بیضاوی، خضوع و تذلل در بالاترین مرتبه است؛ ازاین‌رو، وی تصریح می‌کند که عبادت تنها در مورد خضوع در برابر خداوند به کار

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

می‌رود: «ولذلک لا تستعمل الا فی الخضوع لله تعالی»؛ بنابراین، در تلقی بیضاوی، عبادت صرفاً مطلق اطاعت یا فروتنی نیست، بلکه خضوع و تذللی است که به نهایت مرتبه خود رسیده و به خداوند اختصاص‌یافته است. بدین ترتیب، عنصر «غایت و نهایت خضوع» در تعریف بیضاوی، نسبت به تعاریفی که عبادت را صرفاً به خضوع یا اطاعت همراه با خضوع بازمی‌گردانند، برجستگی بیشتری دارد. (بیضاوی، ۲۹/۱)

قرافی (۶۸۴ ق) نیز به‌عنوان یکی از شخصیت‌های علمی اصحاب حدیث، عبادت را اطاعت از امر خداوند در اظهار خضوع و انقیاد به‌خاطر عظمت الهی می‌داند (قرافی، ۱۸۹/۲).

۳-۳. به معنای اطاعت

ابن‌الجوزی (۵۹۲ ق) نیز مانند علمای دیگر در صدد تبیین مفهوم «عبادت» بر این باور است که مقصود از آن در قرآن، به سه معنا به‌کاررفته است: نخست، عبادت به معنای توحید و یکتاپرستی، چنان‌که در آیه‌ی «إیّاکَ نَعبُدُ» آمده و این معنا از علی (ع) و ابن عباس نقل شده است. دوم، عبادت به معنای اطاعت و پیروی، همانند آیه‌ی «لا تَعبُدِ الشَّیطانَ» که در آن، عبادت به معنای فرمان‌بری است نه پرستش آیینی. سوم، عبادت به معنای دعا و درخواست از خداوند که در برخی آیات قرآن این معنا اراده شده است.[1] (ابن جوزی، چ ۱۴ ذیل آیه).

برخی علما در عباراتی عبادت به خدا را این‌گونه توصیف می‌کنند: و با طاعت تسلیم خدا باش و با آن طاعت خاضع اوباش و او را با ربوبیت یگانه کن و با رفتن به‌سوی اوامرش با خضوع و ذلت در برابر او خالص باش؛ و ازآنچه نهی کرده است منحرف شوید و برای او شریک ربوبیت و عبادت قرار ندهید، همان‌گونه که او را می‌پرستید. (بن قدامه مقدسی، *المغنی*، ۴۲۲/۲)، او حتی عنوان یک مسئله را این‌گونه بیان می‌کند: «مَسْأَلَةٌ لَا بَأْسَ

---

۱. قال ابن الجوزی: المراد بهذه العبارة ثلاثة أقوال:
أ ـ بمعنی التوحید {إیّاک نعبد} عن علی وابن عباس.
ب ـ بمعنی الطاعة کقوله تعالی {لا تَعبُدِ الشَّیطانَ}.
ج ـ بمعنی الدعاء. ابن الجوزی، زاد المسیر ۱۹/۱

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

آنْ یزُورَ الرَّجُلُ الْمَقَابِرَ»[۱] (همان).

٤. تطور مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث تا پایان قرن هفتم هجری

بررسی دیدگاه‌های عالمان اصحاب حدیث از قرون نخستین تا پایان قرن هفتم هجری نشان می‌دهد که مفهوم عبادت، ضمن برخورداری از مؤلفه‌های بنیادین ثابت، در نحوه تبیین و صورت‌بندی مفهومی دستخوش تحول شده است. در این روند، عبادت از یک معنای صرفاً ناظر به عمل ظاهری و خضوع بنده فراتر رفته و به‌تدریج در چارچوب گسترده‌تر ایمان و طاعات تبیین شده و سپس در تعاریف عالمان دوره‌های بعد، نسبت میان اطاعت، خضوع، تذلل و توحید با صراحت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، می‌توان این روند را نه تغییر در اصل مفهوم عبادت، بلکه گسترش دامنه تبیین و تعیین دقیق‌تر مؤلفه‌های آن دانست.

در چهار قرن نخست هجری، بررسی آثار عالمان اصحاب حدیث نشان می‌دهد که مفهوم عبادت به‌تدریج در چارچوب گسترده‌تر ایمان و طاعات تبیین شده است. در این دوره، عبادت نه یک رفتار منفرد، بلکه حقیقتی مرتبط با هویت ایمانی انسان تلقی گردیده است. گزارش ابن‌منده از محمد بن نصر مروزی نقطه مهمی در این تحول به شمار می‌آید؛ زیرا در آن، از یک‌سو «مؤمن» به‌عنوان «عابد» معرفی می‌شود و ازسوی‌دیگر، عبادت به‌عنوان «فعل» مؤمن و همان ایمان دانسته می‌شود؛ بنابراین، رابطه میان ایمان و عبادت در این تلقی، رابطه‌ای بیرونی و صرفاً تبعی نیست، بلکه عبادت در ساختار عملی ایمان جای می‌گیرد.

در ادامه این مسیر، ابن حبان صورت‌بندی دقیق‌تری از اجزای عبادت ارائه می‌کند. وی با تقسیم عبادت به اقرار زبانی، تصدیق قلبی و عمل جوارحی، قلمرو آن را از سطح رفتار خارجی به سه ساحت اساسی وجود انسان گسترش می‌دهد. بدین ترتیب، عبادت در این مرحله دارای ساختاری سه‌گانه است: قلب محل تصدیق، زبان محل اقرار و جوارح محل

---

۱. ابن قدامه، *المغنی*، ۴۲۲/۲.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

عمل. اهمیت این دیدگاه در آن است که عبادت دیگر صرفاً نامی برای اعمال بدنی نیست، بلکه مفهومی جامع برای بیان مجموعه ارتباط اعتقادی، گفتاری و عملی بنده با خداوند است.

از این منظر، می‌توان در چهار قرن نخست هجری نوعی حرکت مفهومی از «عبادت به‌مثابه عمل» به «عبادت به‌مثابه حقیقت جامع ایمانی» را مشاهده کرد. در تقریر محمد بن نصر که ابن‌منده آن را نقل کرده است، عنصر برجسته عبادت، «فعل عابد» و پیوند آن با ایمان است؛ اما در بیان ابن حبان، این فعل از حیث مبادی و مظاهر آن تحلیل شده و سه مؤلفه قلب، زبان و جوارح در آن دخالت داده می‌شوند؛ بنابراین، تحول در این دوره را نباید به معنای تغییر در اصل مفهوم عبادت دانست، بلکه باید آن را گسترش دامنه تبیین و تعیین مؤلفه‌های آن دانست. عبادت همچنان متوجه خداوند به‌عنوان معبود است، اما در تبیین اصحاب حدیث، به‌تدریج عناصر درونی و بیرونی تحقق آن نیز روشن‌تر می‌شود.

از سوی‌دیگر، پیوند عبادت با ایمان و طاعات سبب می‌شود که مفهوم عبادت در این دوره در منظومه‌ای بزرگ‌تر از مفاهیم اعتقادی قرار گیرد. عبادت از یک‌سو بیان‌کننده نسبت انسان با خداوند به‌عنوان خالق و معبود است و از سوی‌دیگر، در قالب ایمان، اقرار، تصدیق و عمل تحقق می‌یابد؛ بنابراین، در پایان این مرحله تاریخی، عبادت مفهومی است که فاعل آن مؤمن، متعلق آن خداوند و صورت تحقق آن ایمان و طاعت در ابعاد قلبی، زبانی و عملی است.

در قرون چهارم تا هفتم هجری، این روند ادامه می‌یابد و مفهوم عبادت، ضمن استمرار مؤلفه‌های بنیادین دوره پیشین، به سمت صورت‌بندی‌های دقیق‌تر و متمایزتری حرکت می‌کند. در این دوره، اطاعت، خضوع، تذلل و توحید همچنان عناصر اصلی مفهوم عبادت را تشکیل می‌دهند؛ با این تفاوت که نسبت میان این عناصر و جایگاه هر یک در تعریف عبادت، با صراحت بیشتری بیان شده است. ازاین‌رو، می‌توان این دوره را مرحله‌ای از تثبیت و تفکیک مفهومی عبادت دانست.

در یک دسته از دیدگاه‌ها، به‌ویژه در تعاریف ثعلبی، واحدی، سمعانی و بغوی، عبادت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

به‌صورت ترکیبی از «اطاعت همراه با خضوع و تـذلل» تعریـف مـی‌شـود. در ایـن تلقـی، اطاعت به‌تنهایی برای تبیین حقیقت عبادت کافی نیست؛ بلکه اطاعت هنگـامی بـه عبـادت تبدیل می‌شود که با خضوع و تذلل همراه گردد. این صورت‌بندی را می‌توان نوعی تکمیـل دیدگاه دوره پیشین دانست؛ زیرا درحالی‌که در تعاریف پیشین، اطاعت و خضوع هـر یـک به‌عنوان عناصر مهم عبادت مطرح شده بودند، در اینجا رابطه میان این دو عنصر به‌صـورت صریح‌تر در قالب یک تعریف ترکیبی بیان می‌شود؛ بنابراین، عبادت نه صرف اطاعت اسـت و نه صرف خضوع، بلکه «اطاعتِ همراه با خضوع و تذلل» است.

در دسته دوم، عنصر «نهایت خضوع و تذلل» به مؤلفه محوری تعریـف عبـادت تبـدیل می‌شود. ابن سیده، قرطبی و بیضاوی در تبیین عبادت بـر خضـوعی تأکیـد دارنـد کـه بـه بالاترین مرتبه خود رسیده است. در بیان بیضاوی، عبادت «أقصی غایة الخضوع والتـذلل» است و به همین دلیل، استعمال آن به خضوع در برابر خداوند اختصاص می‌یابد.

نتایج مقاله

۱. بررسی دیدگاه‌های عالمان اصحاب حدیث در چهـار قـرن نخسـت هجـری نشـان می‌دهد که مفهوم عبادت در این دوره مفهومی یکسان و محدود به یک صـورت خـاص از بندگی نبوده، بلکه از جهات مختلف تبیین شده است. در دیدگاه مروزی، اطاعـت و امتثـال اوامر و نواهی الهی محور اصلی عبادت است و کمال عبادت با کمال اطاعت پیوند می‌یابـد. در دیدگاه تستری، طبری و ابن‌ابی‌زمنین، خضوع، ذلت، تسلیم و فروتنی جایگاه برجسته‌ای در تبیین حقیقت عبادت دارد. در مقابل، ابن‌منده و ابن‌حبان مفهـوم عبـادت را در ارتبـاط نزدیک‌تر با ایمان و عناصر اعتقادی، گفتاری و عملی آن مطرح می‌کننـد. از مجمـوع ایـن دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که عبادت در این دوره مفهومی چندبعدی بوده که ابعـاد عملـی، رفتاری، اعتقادی و ایمانی را دربرمی‌گرفته است. البته این مؤلفه‌ها را نباید کـاملاً منفـک و متعارض با یکدیگر دانست؛ زیرا اطاعت در بسیاری از مـوارد بـا خضـوع همـراه اسـت و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

ایمان نیز در تلقی اصحاب حدیث با قول و عمل پیوند دارد. ازاین‌رو، تفاوت دیدگاه‌ها بیشتر ناظر به مؤلفه‌محوری و نقطه تأکید هر عالم است، نه اختلاف در اصل بندگی خداوند.

۲. در قرون چهارم تا هفتم هجری، اصل مؤلفه‌های مطرح‌شده در دوره پیشین از میان نرفته، بلکه روابط مفهومی میان آنها روشن‌تر و صورت‌بندی آنها دقیق‌تر شده است. در دیدگاه ثعلبی، واحدی، سمعانی و بغوی، عبادت در قالب «اطاعت همراه با خضوع و تذلل» تعریف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اطاعت به‌تنهایی برای تبیین حقیقت عبادت کافی نیست، بلکه باید با خضوع، فروتنی و انقیاد همراه شود. در دیدگاه ابن‌سیده، قرطبی و بیضاوی، عنصر خضوع و تذلل برجستگی بیشتری یافته و عبادت به خضوعی خاص و در بالاترین مرتبه تبیین می‌شود؛ چنان‌که ابن‌سیده آن را «هر خضوعی که بالاتر از آن خضوعی نباشد» و بیضاوی «أقصی غایة الخضوع والتذلل» می‌داند. همچنین ابن‌جوزی با توجه به کاربردهای قرآنی واژه عبادت، آن را در ارتباط با مفاهیمی همچون توحید، اطاعت و دعا بررسی می‌کند. بنابراین، در این دوره، افزون بر استمرار مؤلفه‌های پیشین، کیفیت، مرتبه و دامنه کاربرد مفهوم عبادت با دقت بیشتری تبیین شده است.

۳. مقایسه دو دوره نشان می‌دهد که تطور مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث را نمی‌توان به پیدایش معنایی کاملاً جدید فروکاست؛ بلکه تحول اصلی در نحوه صورت‌بندی و تعیین نسبت میان مؤلفه‌های آن رخ داده است. اگر در چهار قرن نخست، عالمان بیشتر درصدد بیان عناصر تشکیل‌دهنده عبادت بودند، در قرون چهارم تا هفتم تلاش بیشتری برای تعیین نسبت این عناصر با یکدیگر و مشخص‌کردن مرز عبادت با مفاهیمی همچون اطاعت، خضوع و توحید مشاهده می‌شود. از این‌رو، اگر در دوره نخست می‌توان از «گسترش دامنه مفهوم عبادت» سخن گفت، در قرون چهارم تا هفتم باید از «تثبیت و صورت‌بندی دقیق‌تر مؤلفه‌های عبادت» سخن گفت. در پایان قرن هفتم، مفهوم عبادت در اندیشه اصحاب حدیث به صورتی نسبتاً منسجم و چندساحتی درآمده است که در آن اطاعت، خضوع، تذلل، تسلیم و توحید در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته‌اند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۴. برآیند نهایی این بررسی نشان می‌دهد که عبادت را نمی‌توان صرفاً در مطلق خضوع، تعظیم یا اطاعت خلاصه کرد؛ بلکه در تشخیص تحقق عبادت، افزون بر صورت ظاهری عمل، باید به جهت اعتقادی و قصد عبادی فاعل نیز توجه داشت. بر این اساس، هر نوع خضوع، تعظیم یا اطاعت، به‌خودی‌خود عبادت محسوب نمی‌شود؛ بلکه هنگامی می‌توان از عبادت سخن گفت که این اعمال با جهت‌گیری عبادی و اعتقاد به شایستگی معبود برای پرستش همراه باشند. بر پایه این تحلیل، احترام به پیامبر(ص)، تکریم اهل‌بیت(ع)، زیارت قبور و توسل به اولیای الهی، مادامی که با اعتقاد به الوهیت یا پرستش آنان همراه نباشد، از مصادیق عبادت غیر خدا به‌شمار نمی‌آید. بنابراین، تمایز میان «صورت ظاهری عمل» و «جهت اعتقادی و عبادی آن» نقشی اساسی در تعریف عبادت دارد و توجه به این تمایز، امکان تفکیک دقیق میان عبادت، تعظیم، احترام و اطاعت را فراهم می‌سازد. از این منظر، معیار تحقق عبادت غیر خدا را نمی‌توان صرف انجام یک فعل ظاهراً همراه با خضوع یا تعظیم دانست، بلکه باید نسبت آن فعل با قصد و باور عبادی فاعل نیز بررسی شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی زمنین، تفسیر القرآن العزیز، بی‌جا، ۱۴۲۳ هـ‌ق.
۳. ابن بطه، عبیدالله بن محمد، الابانه عن شریعه الفرقه الناجیه و مجانبه الفرق المذمومه، ریاض: دار الرایه للنشر و التوزیع، بی‌تا.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، دار المعرفة، بیروت، ۱۳۷۹.
۵. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، اصول السنه، عربستان: دار المنار، ۱۴۱۱.
۶. ابن حنبل، احمد بن محمد، الرد علی الجهمیة و الزنادقة، دار الثبات، بی‌تا.
۷. همو، الزهد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰.
۸. ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل، المخصص، محقق خلیل ابراهم جفال بیروت: دار احیاءالتراث العربی، ۱۴۱۷.
۹. همو، تفسیر التحریر و التنویر، المعروف بتفسیر ابن عاشور، ۱۴۱۷.
۱۰. ابن قدامه، جعفر بن حسین، المغنی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰.
۱۱. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب بیجا نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
۱۲. ابوعبدالله محمد بن اسحاق بن محمد بن یحیی بن مَنْدَه العبدی، الإیمان لابن منده، علی بن محمد بن ناصر الفقیهی، مؤسسة الرسالة ـ بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۳. باجی سلیمان بن خلف، الحدود فی الأصول (مطبوع مع: الإشارة فی أصول الفقه)، المحقق: محمدحسن اسماعیل، الناشر: دارالکتب العلمیة، بیروت – لبنان، ۱۴۲۴.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق: عبدالرزاق المهدی۷، دار احیاءالتراث العربی، بیروت، چاپ اوّل، ۱۴۲۰.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشی، دار احیاءالتراث العربی، بیروت، چاپ اوّل، م ۶۸۵.
۱۶. تستری ابومحمد، تفسیر التستری، تحقیق: محمد باسل عیون السود، منشورات محمدعلی بیضون/ دارالکتب العلمیة ـ بیروت، ۱۴۲۳.
۱۷. ثعلبی، ابواسحاق، الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق: الإمام أبی محمد بن عاشور، دار احیاءالتراث العربی، بیروت ـ لبنان، ۱۴۲۲.
۱۸. جمال‌الدین ابو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی لإ زاد المسیر فی علم التفسیر، المحقق: عبدالرزاق المهدی، دار الکتاب العربی ـ بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۹. جوهری اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دار العلم، الطبعة الثانیة، ۱۳۹۹.
۲۰. راغب اصفهانی حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲.
۲۱. همو، معجم المفردات، محقق: ابراهیم، شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۲. ربانی گلپایگانی، علی، درآمدی بر علم کلام. قم: دار الفکر، ۱۳۸۲.
۲۳. زبیدی، محمّد بن محمّد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: مجموعة من المحققین، دار الهدایة، بی‌جا، بی‌تا.
۲۴. زحیلی، وهبه، المنیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
۲۵. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت تهران مشعر، ۱۳۸۸.
۲۶. سمعانی، منصور، تفسیر القرآن، تحقیق: یاسر بن ابراهیم وغنیم بن عباس بن غنیم، دار الوطن، الریاض، چاپ اوّل،۱۴۱۸.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۲۷. شریفات، عبدالمحمد، مفهوم عبادت از دیدگاه ابن‌تیمیه. مجله سراج منیر، شماره ۱۶، ۱۳۹۳.
۲۸. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، قم: الشریف الرضی، ۱۳۶۴.
۲۹. طبری، محمد بن جریر، جامع‌البیان فی تأویل آی القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر بی‌جا مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولی، ۱۴۲۰.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت دارالاحیاء تراث، بی‌تا.
۳۱. عسکری، ابوهلال حسن، فروق اللغه، امور فرهنگی، بی‌تا.
۳۲. قرافی ابوالعباس، الذخیرة، الناشر: دار الغرب الإسلامی ـ بیروت، ۱۹۹۴.
۳۳. قرطبی، محمد، الجامع لأحکام القرآن، تحقیق: احمد البردونی و ابراهیم أطفیش، ۱۳۸۴
۳۴. قرطبی، احمد بن عمر، المفهم لما أشکل من تلخیص کتاب مسلم، دار ابن کثیر، دمشق – بیروت، (دارالکلم الطیب، دمشق – بیروت)، ۱۴۱۷.
۳۵. محمد بن جریرتفسیر الطبری، جامع‌البیان عن تأویل آی القرآن تحقیق: الدکتور عبدالله بن عبد المحسن الترکی، ۱۴۲۲.
۳۶. مغراوی، ابوسهل محمد بن عبدالرحمن، موسوعه مواقف السلف فی العقیده و المنهج و التربیه، قاهره: المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع، بی‌تا.
۳۷. الواحدی، علی بن احمد، التفسیر البسیط، عماده البحث العلمی – جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۳۰.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]